اندیشه

دیالکتیک غیرسلبی: از منطق تا انسان‌شناسی

آلن بدیو . ترجمه: صالح نجفی

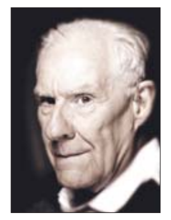

ارتجاعی دموکراسی و معنی مترقی دموکراسی.

اما این تقسیم چه مبنایی دارد؟ در مارکسیسم کلاسیک، مبنای واضحی وجود دارد برای تقسیم همه‌چیز و ما مطابق با تمایز یا اختلاف طبقاتی تقسیم

فعال‌کردن اصل برابری. وقتی اصل برابری واقعا فعال است با نسخه‌ای از برداشت ما از دموکراسی سروکار داریم: یعنی دموکراسی در مقام فوران برابری جمعی در قالبی انضمامی که ممکن است اعتراض باشد یا قیام

نمونه دیگر دقیقا رابطه میان سیاست و قدرت کلاسیک، هدف کنش سیاسی تسخیر قدرت و نا دولتی دشمنان است. نام همه اینها یکی از نام کلاسیسیسمِ سیاسی است: انقلاب. امروزه، در آغا

سرمایه‌داری مدرن همواره درباره حقوق بشر، دموکراسی، آزادی و غیره سخن می‌گوید اما در واقع بعینه می‌بینیم که تحت همه این نام‌ها هیچ‌چیز جز حیوان‌های بشری و منافع شخصی‌شان نمی‌یابیم، حیوان‌هایی که باید با تملک محصولات بشری احساس سعادت کنند: به چشم سرمایه‌داری مدرن سوژه چیزی شبیه حیوان‌هایی در جلوی بازار است

و مشخصا در نسبت سوژه جدید با قانون قدیم. پل، به شیوه‌ای بس صریح، توضیح می‌دهد که وقتی رخدادی دارید که واقعا آفریدن یک امکان جدید در وضعیت است، اول باید پیکری جدید خلق کنید و قبل از هرگونه نفی و پیامدهای منفی یک سوژگی جدید را تأیید کنید. اول باید آن سوژگی جدید را خلق و تأیید کرد. اما در همان آغاز سوژگی جدید و پیکر سوبژکتیو جدید چه داریم؟ گروه آدم‌هایی که تأیید می‌کنند درواقع امکانی جدید در کار است - آنها تأیید یا ایجاب را تأیید یا ایجاب می‌کنند. درمورد مسیحیت، آنها رستاخیز را تأیید می‌کنند. پس از آن با خیل عظیمی از پیامدهای عملی و نمادین در تمامی وضعیت‌ها مواجه می‌شویم. اما چیزی که در مثال پل رسول جالب توجه است این است که خود آغاز چیزی نو همیشه چیزی نظیر تأیید یا ایجاب محض خودِ امکان جدید است. رستاخیزی در کار است؛ باید آن را تأیید کنید! و وقتی رستاخیز را تأیید می‌کنید؛ و آن نوع ایجاب را تأیید می‌کنید - آخر ایجاب همراه با دیگران و در راستای دیگران است - چیزی کاملا نو خلق می‌کنید، نه در قالب نفی چیزی که وجود دارد بلکه در قالب نوبودنی درون آنچه وجود دارد. و بدین‌سان دیگر تقابل نفی و ایجاب در کار نیست. بلکه ایجاب و مرزکشی هست یا آفریدنی که مبنای استقلال‌یابی سوژه جدید از سوژه قدیم است، استقلالی که از درون وضعیت

هر دو امکان وجود دارد: هم استفاده مطلوب از کلمه دموکراسی هم استفاده نامطلوب. چیزی واقعا گیج‌کننده در استفاده از خود این کلمه وجود دارد زیرا، عموما، این کلمه را بلافاصله برحسب معنای کنونی‌اش می‌فهمند که اساسا همان معنایی است که همه نیروهای ارتجاعی دنیای امروز به آن داده‌اند. من در نهایت تصمیم گرفته‌ام کلمه «دموکراسی» را کنار نگذارم

بودن) است که می‌توانید چیزی نظیر یک سوژه شوید. «نامتناهی» نام دیگر این فرایند است زیرا در این نوع پیکریابی ایجاب یک امکان جدید با پیامدهایی نامتناهی است. این امکان جدید پیامدهای نامتناهی دارد؛ همیشه همینطور است. پس می‌توان گفت حقوق بشر، حقوقی که حقوق سوژه‌اند، درواقع حقوق امر نامتناهی‌اند. این فرمول را اولین‌بار ژان فرانسوا لیوتار در مهم‌ترین کتابش «دیفِران» نوشت و من این نکته را قبول دارم.[1]

اما در نهایت مسئله انسان‌شناسی چیست؟ پیشنهاد من این است: دقیقا چه چیز نوع بشر، آدم‌ها، را تکین می‌کند؟ می‌دانیم که امروزه نوعی از حیوان‌های بشری وجود دارد که به واسطه ادغام در بازار جهانی تعریف می‌شوند، و برعکس، می‌توانیم «انسان‌بودن» را ظرفیتِ سوژه یک رخداد شدن بنامیم، تابع چیزی‌شدن که اتفاق می‌افتد. ظرفیت پذیرفتن امکان جزئی از یک پیکره سوبژکتیو جدید شدن؛ ظرفیت استخراج پیامدهای عملی آن در وضعیت پیکریابی که خود همان صیرورت سوژه جدید است. در صیرورت سوژه، ورای حمایت هر آنچه یکی از حیوان‌های بشری است، چیزی نامتناهی وجود دارد، آفرینش جدید چیزی نامتناهی، و نام این نامتناهی برای من حقیقت است. پس می‌توان گفت پیکریابی سوژه همان ملحق‌شدنِ بعضی حیوان‌های بشری به چیزی چون فرایند حقیقت است. و این است

مقابل اقامه دعواست - نزاعی که امکان دارد زیرا طرفین درگیر می‌توانند بر سر ق لیوتار بین قربانی (مظلوم) و شاکی (خوا فرق می‌گذارد. شاکی در جریان یک داد و قربانی طرف مظلوم در یک دیفران اس ظلمی که به قربانی شده وجود ندارد.

بازشناسد، فقط آن‌وقت است که نوع بشر

منبع:

Alain Badiou, "Affirmative Dialectics: from Logic to Anthropology", The International Journal of Badiou Studies. Volume Two, Number One (2013)

بررسی

فیلسوفان فلسفه «هنر زندگی»

همواره گفته می‌شود فلسفه مجموعه‌ای از قواعد نظری است و کاری به جنبه‌های عملی زندگی ندارد، حتی اگر به جنبه‌های عملی زندگی روزمره هم بپردازد. چون گفته می‌شود فلسفه تأثیر چندانی بر زندگی کسانی که کار فلسفی می‌کنند ندارد. از این‌رو، همواره این سؤال مطرح می‌شود که چرا عمدتا زندگی فلاسفه بازتابی از اعتقادات و کار فلسفی آنان نیست؟ کتاب‌ها و مقالات بسیاری در پاسخ به این سؤال و نسبت فلسفه با عمل نوشته شده است. در این زمینه، نشر نگاه به تازگی یکی از آثار الکساندر نهاماس، فیلسوف و پژوهشگر یونانی- آمریکایی، را با ترجمه بابک تختی منتشر کرده است. پیش‌تر نیز از نهاماس کتاب «نیچه: زندگی به منزله ادبیات» به همت نشر مرکز به فارسی ترجمه شده و علاقه‌مندانی را به خود جذب کرد. او در کتاب «هنر زندگی» می‌کوشد فضایی باز کند برای گونه‌ای دیگر از فلسفه‌ورزی. در نظر او دو دسته فیلسوف داریم: برخی تمایل دارند به سؤال‌های کلی و مهم پاسخ دهند، سؤال‌هایی درباره اخلاق و سرشت زندگی خوب، بی‌آنکه باور داشته باشند جواب‌شان ممکن است آنها را به چه آدمی بدل کند. در مقابل، برخی دیگر معتقدند اگر باورهای کلی به شیوه‌ای صحیح سازمان یابد و در زندگی روزمره اعمال شود، انسانی موجه، شاید انسانی بسیار شایسته، انسانی فراموش‌نشدنی و در همین گستره احترام‌برانگیز پدید می‌آید. او معتقد است در شیوه نظری محض، مهم‌ترین نکته، پاسخ درست به این سؤال‌هاست. وقتی نظریه بر زندگی تأثیر می‌گذارد، البته که درستی دیدگاه مهم است، اما این نکته هم اهمیت دارد که چه کسی و چگونه آدمی در نتیجه پذیرش این عقاید ساخته می‌شود. او تأکید دارد اینکه با پذیرش برخی نظریه‌ها به چه آدمی بدل

این دیدگاه نیچه را نمی‌پذیرد که گفته بود آخرین حرف‌های سقراط در فایدون حاکی از این است که او همیشه زندگی را بیماری می‌دانست. در مجموع می‌توان گفت نهاماس در کتاب حاضر در پرتو تببین راهی جدید برای فلسفه‌ورزی و نسبت فلسفه و زندگی عملی به فلسفه «هنر زندگی» می‌رسد و رفتار سایر فیلسوفان را با فیلسوف «هنر زندگی» یعنی سقراط بررسی می‌کند.

هنرزندگی
الکساندر نهاماس
ترجمه: بابک تختی
ناشر: نگاه
چاپ اول: ۱۳۹۸
قیمت: ۵۲۰۰۰ تومان

گفته‌ها

مفهوم ایران در دوره میانه

نگین یاوری، استاد تاریخ دانشگاه کلمبیا و محقق دانشگاه لایپزیک، در ادامه نشست‌های «ایده ایران» از سلسله‌نشست‌های «مسئله ایران» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سخنرانی کرد که در ادامه گزیده‌ای از آن را به نقل از سایت پژوهشگاه می‌خوانید:

پیامبر اسلام در سال ۶۳۲ میلادی درگذشت؛ سالی که یزدگرد سوم (۶۳۲-۵۱) آخرین پادشاه ساسانی به تخت نشست. پنجاه سال بعد جغرافیای سیاسی و اجتماعی خاورمیانه و سرزمین‌های مجاور آن از لونی دیگر بود. فتوحات اعراب نقشه سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی منطقه را که قرن‌های متمادی در سلطه نفوذ ایران قرار داشت، دگرگون کرده بود. سپاه ساسانیان در آزمون مقابله با جنگجویان عرب شکست خورده بود و شهرها و ایالات مختلف ایران هریک جداگانه راهی برای پایداری در برابر سپاهیان عرب در پیش گرفته بودند. اگر بخواهیم تاریخ ایران را از قرن اول تا سوم هجری، فراتر از این وقایع‌نگاری‌ها و روایت‌های توصیفی بررسی کنیم، ناگزیر باید به ملاحظات متعدد تاریخ‌نگارانه توجه کنیم. چگونه و در کجا می‌توانیم حوزه اطلاق مفهوم ایران و کسانی را که این مفهوم در طی قرون در مورد آنها قابل اطلاق بوده مشخص و تعریف کنیم؟ مفهومی قابل اطلاق به یک واحد فرهنگی مشخص و قابل تعریف که چگونگی و حدود آن را متون تاریخی مورد مطالعه و روشی که در بررسی این متون به کار می‌گیریم، مشخص می‌کنند. اگر از اطلاعات قلیل باستان‌شناسی صرف‌نظر کنیم، بخش اعظم دانش ما از ایران پیش از روی کارآمدن ساسانیان - هخامنشیان، سلوکیان و پارتیان - از منابع یونانی است. یونانیان قرن‌های طولانی بزرگ‌ترین رقیب سیاسی ایران بوده‌اند و به‌ندرت نوشته‌ای مبتنی بر اطلاع کافی و حسن نظر درباره این دشمن دیرین از آنان به جای مانده؛ نکته‌ای که در مورد سرزمین‌های

تازه‌های نشر نو

از هابز تا چامسکی

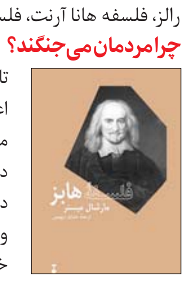

این بدگمانی سبب می‌شود موضعی دفاعی نسبت به هم بگیریم و حتی در فکر اعمال پیشگیرانه و پیش‌دستی‌کردن باشیم. ترس نیز در نظریه نقش مهمی دارد. با توجه به همه این مسائل و استدلال‌هایی که هابز به دقت مطرح می‌کند کشمکش و جنگ به نظر ناگزیر می‌آید. جنگی که تنها راه آن برای تبدیل به صلح در وضعیت طبیعی وجود یک «فرمانفرما» است.

فلسفه هابز / مارشال میسنر / ترجمه: خشایار دیهیمی / قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

آغازگرشک

کل دوران مدرن را می‌توان جدال میان دو جهان‌بینی، یعنی علم مدرن و تفکر مدرسی و مذهبی قرون وسطا دانست. جنبه بیرونی این داستان حاکی از افول قدرت کلیسا به عنوان نهادی سیاسی است اما داستان درونی حاکی از انقلابی مفهومی است که جهان امروزی را امکان‌پذیر

به شیوه‌ای مشابه تبیین می‌کند. اجزای ریز یک جسم، اگر نسبت به یکدیگر در حال سکون باشند، از یکدیگر جدا نخواهند شد، مگر آنکه نیرویی بر آنها وارد شود. در جامدات، ذرات ریز نسبت به یکدیگر ایستا هستند. در مایعات، این ذرات در حال حرکتند، در گازها این حرکت بیشتر است و آتش فعال‌ترین صورت ماده است. به عبارت دیگر، دکارت خواص مختلف ماده را برحسب میزان حرکت نسبی اجزا تبیین می‌کند.

نخستین اثر منتشرشده دکارت «گفتار درباره روش» (۱۶۳۷) بود. این کتاب اساسا شامل سه مقاله و یک مقدمه طولانی درباره روش است

... می‌توان به این صورت تعمیم داد که «می‌اندیشم پس هستم».

ویژگی این کوگیتو در آن است که مقدمه «می‌اندیشم» شک‌ناپذیر است و همین است که آن را از استنتاج‌های دیگر از قبیل اینکه می‌نوشم پس هستم متمایز می‌کند. روش شک دکارتی به چندین نسل از متفکران کمک کرد تا خود را از قیدوبندهای تفکر مسیحی قرون وسطی رها کنند. ولی دکارت در عین‌حال، همزیستی دانش و دین را نیز میسر می‌دانست و در تمام عمر خود کاتولیک باقی ماند.

فلسفه دکارت / گرت تامسون / ترجمه: علی بهروزی / قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان

چرخش زبان‌شناسی

«فلسفه چامسکی» دهمین عنوان از مجموعه مورد اشاره است که به قلم مورتون وینستون نوشته شده است. نسخه اصلی این کتاب در سال ۲۰۰۲ به چاپ رسیده است. نوام چامسکی فیلسوف زبان‌شناس و فعال اجتماعی است که آثارش حول محور مسائل دانش انسان و آزادی او دور می‌زند. رویکرد نویسنده در این کتاب، ارائه تاریخچه

... نویسنده در مقدمه تأکید می‌کند که از بررسی جزئیات آرای چامسکی صرف‌نظر کرده اما برای اجتناب از رویکرد بیش از حد ساده‌انگارانه «چامسکی در ۹۰ دقیقه» تلاش کرده سیر تحول اندیشه او را در افقی انتقادی قرار دهد و خوانندگان علاقه‌مند را به منابع دیگر ارجاع دهد. او چامسکی را متعلق به سنتی از متفکران می‌داند «که تفکر را همراه سیاست‌ورزی معنادار می‌دانست؛ سنتی که افرادی چون کارل مارکس، جان دیویی، آلبرت اینشتین و برتراند راسل را شامل می‌شود». چامسکی در فعالیت‌های علمی‌اش بر زبان‌شناسی و حوزه‌های وابسته به مسئله درک توانایی انسان در فراگیری زبان طبیعی تمرکز داشته و در نوشته‌های سیاسی‌اش کوشیده اشکال خاص سلطه و سرکوب را که ویژگی هژمونی جهانی آمریکا در نیمه دوم قرن

بیستم بوده افشا کند. از نظر نویسنده، درک رابطه میان این دو جنبه از کار چامسکی دشوار است. چامسکی در سال ۱۹۷۱ در سخنرانی‌هایش در بزرگداشت راسل در کمبریج به همین نوع پرسش پرداخت. او گفت راسل فیلسوفی بوده که هدفش علاوه بر تفسیر جهان تغییر آن هم بوده و سپس این پرسش را مطرح ساخت که آیا بین مطالعات فوق‌العاده متنوع راسل که در مجموع هر مسئله واجد اهمیت کمال انسانی را در بر می‌گیرند رشته مشترکی وجود دارد؟ به‌خصوص آیا بین اعتقادات فلسفی و سیاسی او پیوندی هست؟ چامسکی در سخنرانی دیگری حلقه مفقوده بین معرفت‌شناسی تجربه‌گرایانه راسل و عقاید سیاسی او را در تلقی انسان‌گرایانه او از طبیعت ذاتی و قوه خلاقه آدمی سراغ می‌گیرد. در مورد چامسکی حلقه اتصال دو جنبه فلسفه او در برداشت خاص خردگرایانه او از هوش انسان نهفته است که البته با نگرش تجربه‌گرایانه راسل کاملا متفاوت است. خردگرایی چامسکی بر انحصاری‌بودن و ریشه‌های بیولوژیک شناخت (معرفت) انسان تأکید دارد، ضمن آنکه اذعان می‌کند توانایی‌های شناختی فطری ما انسان‌ها نیز شالوده رشد خلاقانه درک ما از جهان و خودمان را فراهم می‌آورند.

... از آواشناسی از یک سو و کاربست زبان را از سوی دیگر بررسی کنیم، چون دلایلی وجود دارد برای آنکه دستور زبان را یک حوزه بدانیم که کیفیاتی کاملا خاص خود را دارد. همین‌طور است در مورد بازشناسی چهره افراد، حافظه موسیقیایی و سایر استعدادهای شناختی خاص. اگر ابتدا کوششی نظام‌مند برای بالابردن شناخت خود از کیفیات دقیق حوزه‌های شناختی خاص صورت دهیم و تازه آنگاه درصدد درک ارتباط کارکردی آنها در چارچوب نظام شناختی به صورت کلی برآییم می‌توانیم به پیشرفت در فهم و شاید تبیین نحوه عملکرد اندامی به پیچیدگی مغز انسان امیدوار باشیم.

فلسفه چامسکی / مورتون وینستون / ترجمه: احمدرضا تقاء / قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان